

تحلیل زمینه‌های اجتماعی، فرهنگی شکل‌گیری خشونت‌های رفتاری (رمان «خریف العصافیر» به‌مثابه گزارشی انتقادی از بحران یک نسل)

علی سلیمی،* شادی رحیمی**

چکیده

رمان عموماً بازتولید تصویری از لایه‌های پنهان زندگی انسانی-اجتماعی است. رمان خریف العصافیر (پاییز گنجشک‌ها) اثر نویسنده مغربی، خالد أقلعی، از جمله رمان‌هایی است که بخشی از بحران فکری-اجتماعی نسل جوان در کشورهای اسلامی را بازگو نموده است. پژوهش حاضر با روش توصیفی تحلیلی، این رمان را بررسی کرده و کوشیده به این پرسش پاسخ گوید که براساس باور نویسنده رمان، کدام عوامل روانی و اجتماعی، بستر شکل‌گیری و رشد خشونت‌های رفتاری را در جامعه فراهم می‌کنند و افراط‌اندیشی دینی چه رابطه‌ای با این مقوله دارد؟ نتایج پژوهش نشان می‌دهد که مؤلفه‌های اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی همچون طلاق، فساد اجتماعی، نابرابری اقتصادی، بی‌عدالتی و استفاده ابزاری از تعالیم دینی، همگی زمینه‌ساز شکل‌گیری بحران‌های روحی نسل جوان و ترویج خشونت‌های رفتاری در میان این نسل بوده است. قهرمان رمان، یکی از این دسته قربانیان است. سرنوشت تراژیک او، وصف حال دردناک نسلی است که تجربه زیسته تلخی داشته و پس از آن، در رؤیای دستیابی به حقیقت و عدالت، عاشقانه دل به توهّمات گروه‌های تندرو سپرده است. نویسنده رمان بر این باور است که افراط‌اندیشی دینی نیز به‌بهبانۀ مبارزه با

* استاد گروه زبان و ادبیات عربی، دانشگاه رازی، ایران، کرمانشاه. (نویسنده مسئول)

a.salimi@razi.ac.ir

** دانشجوی کارشناسی ارشد گروه زبان و ادبیات عربی، دانشگاه رازی، ایران، کرمانشاه.

shadi.rahimi1379@gmail.com

نابسامانی‌های وضع موجود، پندار تنش‌زای «دیگری منحرف» را در میان این نسل تقویت کرده و به آن رنگ و لعاب دینی بخشیده است؛ در نتیجه، ایجاد دشمنی و تیرگی در روابط میان افراد جامعه و توجیه دست زدن به هرگونه رفتار خشونت‌آمیزی به‌منظور حذف «دیگری‌های منحرف»، رفته‌رفته به یک معضل اجتماعی تبدیل شده است.

واژه‌های کلیدی: افراط‌اندیشی دینی، دیگری منحرف، خالد اقلعی، خریف العصافیر، خشونت رفتاری.

۱. مقدمه

طی یک قرن گذشته، رمان‌های عربی تصویرهایی گویا از دگرگونی‌های فکری، فرهنگی، سیاسی و اجتماعی جهان عرب را بازتولید نموده‌اند. یکی از تازه‌ترین مباحث که موضوع این پژوهش است، تصویری از خشونت رفتاری و پیوند آن با افراط‌اندیشی دینی است که امروزه به یکی از چالش‌های بنیادین دوران معاصر در جامعه اسلامی تبدیل شده است. این گرایش یک‌سونگر، نپذیرفتن عقاید مخالف و یا حتی متفاوت را در صدر تعالیم خود قرار داده که لزوماً یک نوع «دیگری‌پنداری» تنش‌زا را در رفتارهای اجتماعی به همراه داشته و دارد. چنین پنداری، معمولاً با تحریک احساسات و همراه با تحریف و جعل مفاهیم دینی و با رؤیای نیل به اهداف مادی و معنوی متعالی صورت می‌گیرد و همواره توسط قدرت‌های پنهان تغذیه و تقویت می‌شود. ابزار تحقق این مقاصد، غالباً قربانیانی هستند که به شوق دستیابی به حقیقت و عدالت، به عضویت در گروه‌های تندرو درمی‌آیند که تهدیدی بزرگ برای سلامت و آرامش جامعه‌اند. طی سالیان اخیر، این آسیب اجتماعی، در آثار ادبی که جلوه‌گاه اندیشه و آرمان‌هاست، بازتابی گسترده یافته و در این میان، رمان بیشتر از گونه‌های ادبی دیگر، این تشتت فرهنگی و معضل اجتماعی را بازگویی نموده است.

رمان پاییز گنجشک‌ها (خریف العصافیر) نوشته خالد اقلعی، یکی از نمونه‌های برجسته این گونه رمان‌هاست. موضوع اصلی رمان، تأثیر افراط‌اندیشی دینی در اندیشه و رفتار اجتماعی است که نویسنده طی ماجراهای رمان، خطر آن را برای جامعه بازگو و مخاطب را

در دنیای هیجان‌انگیزی، بین حالت خوف و رجا، با خود همراه می‌کند. قهرمان رمان جوانی روان‌نژند است که در وضعیت فردی و اجتماعی بسیار نامساعدی پرورش یافته است. وضعیت نابسامان زندگی، او را به سوی گروه‌های افراط‌اندیش دینی سوق داده است. این رویکرد دینی، نوعی پنداشت «دیگری منحرف» را در ذهن وی شکل می‌دهد که در نتیجه آن، نسبت به دوستان و نزدیکان خود، مرزبندی مضیقی پدید می‌آورد. این رمان به محض انتشار، توجه منتقدان ادبی را به خود جلب نمود. چاپ اول آن در سال ۲۰۱۴ در انتشارات باب‌الحکمة مراکش صورت گرفت. پیش‌تر نیز موفق به کسب جایزه محمدالحرمانی در میسان عراق در سال ۲۰۱۳ شده بود. کسب این جایزه، حکایت از نگاه مثبت اهالی ادب به این اثر دارد. این اقبال نسبی را می‌توان مرهون محتوای به‌روز رمان، در کنار تعدد سکانس‌ها و صیغه‌های روایی آن دانست که نشانی از تفاوت سبکی این اثر است. این رمان ۱۶۷ صفحه‌ای به ساختمانی وارونه شباهت دارد که با تنش آغاز می‌شود و در پی آن، جزئیات رویدادی که منجر به چنین تنشی شده است، برای خواننده آشکار می‌گردد. در این رمان جعفر طیب البوشیة، جوان کم‌سن‌وسالی است که زندگی ناآرامی را به واسطه مشکلات خانوادگی سپری کرده است. او بیش از دیگران، به مشکلات جامعه، ظلم و بی‌عدالتی واقف است. وی با هدف مبارزه با فساد و بی‌عدالتی‌های اجتماعی و سیاسی، به عضویت گروهی افراطی درمی‌آید؛ با این آرزو و آرمان که آنان می‌توانند ناجی جامعه باشند. این گروه به‌منظور محقق ساختن اهداف خود، شیوه خشونت، کشتار و ترور را در پیش گرفته‌اند. آن‌ها به‌منظور نابودی فساد، همواره اعضای خود را به بستن کمربندهای انتحاری تشویق و ترغیب می‌کنند. قهرمان رمان پاییز گنجشک‌ها یکی از قربانیان این اندیشه افراطی است. دگرگونی در اندیشه و شخصیت، آرامش وی را به هم زده و رفته‌رفته در کشمکش میان دوست داشتن یا نفرت از دیگران قرار گرفته است. از آن‌پس، خودی یا دیگری منحرف، مبنای داوری و رفتار اوست و این دغدغه ذهنی تا آنجایی پیش می‌رود که هم‌صحبتان محبوب دیروز او، اکنون به «دیگرانی منحرف» و مغضوب وی تبدیل شده‌اند. این نگرش، سرانجام او را در زمره اعضای داوطلب برای انجام عملیات انتحاری قرار می‌دهد و تا مرز این اقدام پیش می‌برد؛ اما در آخرین لحظات، با تردیدی که در اندیشه‌اش پدید آمده، از این کار خطرناک که پایان تلخ

زندگی او و دیگری‌های بسیار است، منصرف می‌شود. رمان، تصویری هنری با رویکردی انتقادی از بحران یک نسل است. تلاقی دو مؤلفه «افراطاندیشی دینی» و «دیگری منحرف» و خشونت حاصل از آن، در جای‌جای ماجراهای رمان خودنمایی می‌کند. پژوهش حاضر با توصیف و تحلیل روابط، احساسات و افکار شخصیت‌های رمان، می‌کوشد پنداشت نویسنده از دو مفهوم پیش‌گفته را تشریح و تبیین نماید.

۲-۱. مسئله، پرسش‌ها و روش پژوهش

در باب افراطاندیشی دینی، چه درزمینه رویش و رشد و چه درباره راه‌های کنترل و کاهش آن، دیدگاه‌های متفاوتی وجود دارد. از منظر دینی، افراطاندیشی نتیجه تفسیر نادرست و تحریف اصول و ارزش‌های دینی است. طرف‌داران این دیدگاه معتقدند که برای مقابله با افراطاندیشی، باید به تصحیح تفسیر دینی و آموزش صحیح اصول و ارزش‌های دینی پرداخته شود (ر.ک: سالار، ۱۳۹۰: ۳۸). دیدگاه اجتماعی معتقد است که مؤلفه‌های اجتماعی مانند فقر، بیکاری، نابرابری اجتماعی و از بین رفتن امید به آینده، به رشد افراطاندیشی دینی می‌انجامد. طرف‌داران این دیدگاه بر اهمیت اصلاح شرایط اجتماعی و اقتصادی برای کاهش زمینه و مجال افراطاندیشی تأکید دارند (ر.ک: قادری و قسیم، ۱۴۰۰: ۳۵۵). برخی دیگر، بر جنبه سیاسی این معضل انسانی تأکید دارند و بر این باورند که افراطاندیشی دینی، نتیجه استفاده ابزاری از دین و تلاش برای کسب قدرت به‌وسیله آن است (ر.ک: مؤمنی و همکاران، ۱۳۹۵: ۶۱) و در آخر، دیدگاه روان‌شناختی بر این باور است که افراطاندیشی دینی نتیجه‌ای است از عوامل روان‌شناختی مانند احساس نداشتن امنیت، نیاز به اعتبار و شناخت و انزوای اجتماعی. طرف‌داران این دیدگاه بر تأمین نیازهای روان‌شناختی فرد و تحقق ارتباطات اجتماعی سالم تأکید دارند (ر.ک: چلبی و امیرکافی، ۱۳۸۳: ۴). هرکدام از این دیدگاه‌ها از زاویه‌ای به موضوع نگریسته‌اند. شاید بتوان گفت که همه مقوله‌های پیش‌گفته، به نسبت‌های متفاوت در جوامع مختلف، در خلق و استمرار افراطاندیشی نقش داشته و دارند که شرح و تفسیر آن، خارج از موضوع این پژوهش است.

امروزه مفهوم «دیگری» در تحلیل و بررسی ادبیات داستانی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. این مفهوم نقش قابل توجهی در مرزبندی‌های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، جغرافیایی

و... ایفا می‌کند. برای مثال، مفهوم «دیگری» انسان‌ها را به دوست و دشمن، سفید و سیاه، آسیایی و اروپایی و... تقسیم می‌کند که سرانجام سبب پیدایش دو مفهوم خودی و دیگری، به‌منزله یک معیار داوری و رفتار می‌گردد. تا اواسط قرن نوزدهم میلادی، مفهوم «دیگری» وام‌دار اندیشه افلاطونی بود؛ بدین معنا که هرآنچه خودی نبود، دیگری تلقی می‌شد. پس از قرن نوزدهم، اندیشه‌های دیالکتیک هگل و دوگانگی دکارت نیز به سهم خود در تبیین هرچه بیشتر مفهوم مذکور نقش داشته‌اند. مکتب ساختارگرایی نیز در قرن بیستم با تکیه بر تضادهای موجود در یک اثر، به‌نوعی سعی در توصیف ماهیت مفهوم خودی و دیگری داشت. در مکتب پساساختارگرا نیز، باختین با تکیه بر این موضوع که رابطه هرچیزی با دیگری، به شکل دادن فهم ما از آن می‌انجامد، بار دیگر، بر اهمیت پرداختن به این مفهوم اشاره می‌کند (ر.ک: نجومیان، ۱۳۸۵: ۲۱۶).

طی سالیان اخیر، دو مقوله «افراط‌اندیشی دینی» و «دیگری‌پنداری منحرف» و پیامدهای آن یعنی خشونت رفتاری، به موضوعی قابل توجه در زندگی روزمره تبدیل شده‌اند. آثار ادبی و به‌ویژه رمان، به‌منزله رسانه‌ای مؤثر در بازنمایی باورها و رفتارها، تصویرهای متنوعی از این پدیده اجتماعی و فرهنگی بازتولید نموده‌اند. پژوهش حاضر، با بررسی یک رمان به‌عنوان نمونه، گوشه‌هایی از این معضل اجتماعی را بازخوانی کرده است. نویسنده این رمان، پیامدهای افراط‌اندیشی دینی در ایجاد مرزبندی میان انسان‌ها، پررنگ کردن تفاوت‌ها و محدودیت‌آفرینی در تعاملات بین انسان‌ها را به‌خوبی به تصویر کشیده است. در رمان همچنین، مؤلفه‌های اجتماعی که نقش مهمی در تشدید افراط‌اندیشی دینی دارند، بازگویی شده است؛ از جمله این مؤلفه‌ها می‌توان به فرهنگ و ارزش‌های جامعه، تجربه‌های شخصی، رسانه‌ها و فضای عمومی و تعاملات اجتماعی و سیاسی اشاره کرد. در حوادث این رمان، حالت‌هایی نظیر رضایت نداشتن از وضعیت موجود، فساد اقتصادی و اجتماعی و سطح پایین تحصیلات، قهرمان را به‌سمت افراطی‌گری دینی سوق داده و موجبات دیگری‌پنداری منحرف را نسبت به اطرافیان از قبیل خانواده، دوستان و هم‌وطنان در ذهن وی پدید آورده است.

داده‌های مورد نیاز برای این پژوهش، از طریق شواهد متنی، تحلیل‌ها و نقدهای پژوهشگران پیشین و سایر منابع مرتبط جمع‌آوری شده است. پس از جمع‌آوری داده‌ها، آن‌ها با استفاده از روش‌های توصیفی، تحلیل محتوای رمان و بررسی الگوهای مربوط به افراط‌اندیشی و دیگری‌پنداری بازخوانی شده‌اند. پژوهش می‌کوشد به سؤالات زیر پاسخ گوید:

۱. رمان *خریف العصافیر* به‌مثابه یک رسانه، تصویر افراط‌اندیشی دینی و دیگری‌پنداری را چگونه بازتولید نموده است؟
۲. نویسنده رمان چه مؤلفه‌هایی را در خلق و تشدید افراط‌اندیشی دینی و خشونت رفتاری مؤثر می‌داند؟

۳-۱. پیشینه پژوهش

- مقاله «نسبی‌گرایی حقوق بشر و افراط‌گرایی مذهبی» (آقابابی، ۱۳۹۰). در این مقاله حق حیات به‌عنوان یکی از حقوق بنیادین بشر، از منظر دو دیدگاه جهان‌شمولی و نسبی‌گرایی بررسی شده است.

- مقاله «جمالیات تفاعل الخطابات فی الروایة "خریف العصافیر" للمبدع خالد أقلعی» (البقالی، ۱۳۹۶). نگارنده در این پژوهش با پرداختن به حوزه‌های معرفتی، روح پیچیده رمان را از طریق معرفی انواع گفتمان و رابطه هم‌پوشانی آن‌ها بررسی کرده است. این مقاله تنها پژوهش یافت‌شده در رمان *خریف العصافیر* است.

از جمله مقالاتی که به مطالعه مفهوم دیگری در رمان پرداخته، عبارت‌اند از:

- مقاله «صورة الآخر الشرقي فی ادب الرحلات لغادة السمان» (نظری منظم و همکاران، ۱۳۹۷). نویسندگان این پژوهش با اتکا به روش اجتماعی و تطبیقی کوشیده‌اند تا به بررسی بخش اول از کتاب *شهوة الاجنحة* بپردازند تا هویت خود و دیگری، توهمات و انحرافات فکری متقابل این دو را از یکدیگر بهتر بنمایانند.

- مقاله «من و دیگری در این خیابان سرعت‌گیر ندارد» (امیری، ۱۳۹۸). نویسنده این پژوهش با تحلیل «متن‌محور» این رمان به‌ظاهر فمینیستی، به مطالعه حضور دیگری در این اثر پرداخته است.

در پژوهش حاضر، نویسندگان سعی داشته‌اند تا با تحلیل متن، رمان و جوانب مختلف آن را با نگاهی ادبی، اجتماعی بررسی کنند.

۲. زمینه شکل‌گیری شخصیت قهرمان رمان

قهرمان رمان (جعفر) از سنین کودکی در خانه پدری، زندگی بدون مهر و محبت مادر را در حضور نامادری‌اش که از او نفرت دارد، می‌گذراند و در سکوت عذاب می‌کشد. او همواره پدر را بابت طلاق مادرش سرزنش می‌کند. زندگی مادر وی بعد از طلاق به تباهی رفته و در خانه زنان فاسد سپری شده است و این اولین ضربه روحی این جوان است. تا اینکه سال‌ها بعد و پس از تحمل رنج فراوان در جست‌وجوی مادرش، وی را می‌یابد و با مشقت بسیار از آنجا فراری می‌دهد. مادر دوباره ازدواج می‌کند و زندگی خوبی را در کنار پسر و همسرش سپری می‌کند. جعفر روحیه‌ای شاد دارد و از شنیدن موسیقی لذت می‌برد. اتاقش پر از پوسته‌های مربوط به فوتبالیست‌ها و بازیگران محبوب اوست. او از مصاحبت با دوستان و اعضای خانواده‌اش لذت می‌برد. وی به کمک ناپدری‌اش در کارخانه‌ای استخدام می‌شود. او در طول دو سال فعالیت در آنجا، شاهد فساد مالی بسیاری از مسئولان کارخانه است. با مشاهده این وضعیت اولین جرقه‌های تنفر از دیگری در ذهن وی شکل می‌گیرد. او مدام کارگران را در جهت مطالبه‌گری تشویق می‌نماید و در پی این فعالیت‌ها، با دسیسه‌های رؤسای کارخانه، دو سال زندانی می‌شود. ملاقات با یکی از دوستان قدیمی‌اش، زمینه‌ساز آشنایی وی با اندیشه‌های دینی افراطی و در ادامه، پیوستن به یک فرقه تندرو می‌گردد. در ادامه عضویت در این گروه، جعفر دچار تناقضات روحی شده که رفته‌رفته، او را از فردی بانشاط به فردی منزوی و گوشه‌گیر تبدیل می‌کند. در این مرحله، او دیگر به هم‌نشینی با نزدیکانش میل نداشته و اثری از روحیه پرنشاط و علائق سابقش وجود ندارد. این گروه افراطی، پیوسته او را به فداکاری، شهادت و رفتن به بهشت تشویق می‌کنند و راه رسیدن بدان را بستن کمر بند انتحاری و کشتن «دیگرانی منحرف» می‌دانند. او در انجام چنین باورهایی تا مرز انفجار پیش می‌رود؛ اما سرانجام، احساس بشردوستی وی بیدار شده و مانع از انجام چنین عملیاتی می‌شود. در این حادثه که توسط همدستش انجام می‌گیرد، او هم مصدوم شده و راهی بیمارستان می‌شود. حال جسمی وی بسیار وخیم و دیگر برای همیشه، قادر به

کوچک‌ترین حرکت یا تکلمی نیست. رمان، شرح ماجرای این حوادث از زبان شخصیت‌ها و وصف حال اوست که اینک در گوشه‌ای به حالت کما رفته است. پزشکان از اطرافیان او درخواست می‌کنند که خاطرات گذشته را بازگویی کنند تا شاید به هوش آید. یکی از آن‌ها جمله‌ای می‌گوید که بیانگر همه رمان است:

«لا یجوز أن أخوض فی سرد فواجع مماثلة؛ حدّرنی الطیب أكثر من مرّة "أحکی عمّا یبهج فقط". ولكن، ما اقلّ الّهجة فی حیاتنا!» (أقلعی، ۱۳۹۲: ۲۲)؛ (سزاوار نیست من از مصیبت‌های گذشته بیشتر از این با تو بگویم. پزشک به من توصیه کرده که خاطرات شاد گذشته را به یاد تو بیاورم، اما شادی در زندگی ما چقدر ناچیز بود!)

۳. مؤلفه‌های انسانی-اجتماعی مؤثر در رفتار

به‌منظور پاسخ به پرسش‌های پیش‌گفته، آن دسته از مؤلفه‌های اجتماعی که در حوادث رمان، منجر به شکل‌گیری شخصیت آسیب‌پذیر قهرمان رمان، خلق پنداشت مفهوم دیگری منحرف در ذهن او و تشدید افراط‌اندیشی دینی و سرانجام روی آوردن به خشونت رفتاری شده‌اند، واکاوی می‌گردد.

۱-۳. طلاق و پیامدهای ویرانگر آن

قهرمان رمان در لحظه آخر، از اقدام خشونت‌آمیز، فشار دادن دکمه کمربند انتحاری خودداری می‌کند و منصرف می‌شود؛ اما یکی از همدستانش عملیات را انجام داده و انفجار رخ می‌دهد که در نتیجه آن، او مصدوم و به بیمارستان شهر منتقل می‌شود. فصل دوم رمان بازگوکننده روند نابسامان‌های فردی و اجتماعی است که در نهایت او را به‌سوی افراط‌اندیشی دینی و خشونت اجتماعی سوق داده است. ماجرا از زبان جعفر در حالتی بین مرگ و زندگی روایت می‌گردد. او رویدادهای زندگی خود را به‌ترتیب زمانی مرور کرده و خواننده را در جریان مصائب آن، به‌ویژه در دوران کودکی‌اش قرار می‌دهد. وی در پنج‌سالگی شاهد طلاق پدر و مادرش بوده است. پدرش یک سال بعد، دوباره ازدواج می‌کند. زندگی پررنج کودک به دور از مهر و محبت مادر سپری می‌شود. حضور نامادری که روزبه‌روز جایگاه او را نزد پدر تصاحب می‌کند، موجب عذاب روحی‌اش شده است. ادامه این وضعیت، ذهن وی را پُر از نفرت از دیگران می‌کند. رفتارهای پدر، روزبه‌روز بر بی‌زاری‌اش از همه‌چیز و همه‌کس می‌افزاید:

«أعترف أنني لن أغير لأبي فعلته بأُمِّي أبدا ما حييت، ولا أحسبه يغفر لي ما سببت له من متاعب و نفقات ذهب بجزء كبير من مآخراثة» (همان: ۱۱)؛ (اعتراف می‌کنم که هیچ‌وقت تا زمانی که زنده هستم، پدرم را به‌خاطر آنچه با مادرم کرد، نخواهم بخشید و فکر نمی‌کنم او هم مرا به‌خاطر دردها و هزینه‌هایی که برای او به وجود آوردم و بخش زیادی از پس‌انداز وی را از بین برد، ببخشد).

شاید مسئله طلاق پدر و مادر کودک را بتوان مؤثرترین منشأ مشکلات آتی روحی و روانی وی دانست. نویسنده رمان به‌حق، درصدد القای این واقعیت است که اگر جعفر در خانواده‌ای رشد می‌کرد که به‌لحاظ عاطفی او را تأمین می‌کرد، هرگز رفتارهای خشونت‌آمیز مانند کشتن انسان‌ها را به‌عنوان راه درست برای مبارزه جهت تعالی جامعه در نظر نمی‌گرفت (ر.ک: یعقوبی و همکاران، ۱۳۹۰: ۹۷). ازجمله تأثیرات تجربه طلاق بر شکل‌گیری اعتقادات افراطی می‌توان به این موارد اشاره کرد: ۱. جست‌وجوی استقرار در یک معیار مطلق: تجربه طلاق می‌تواند با ایجاد احساس ناامنی در افراد، آن‌ها را به جست‌وجوی استقرار در یک معیار مطلق مثل دین و اعتقادات مذهبی سوق دهد که درنهایت به شکل‌گیری اعتقادات افراطی و تمایل به پذیرش دیدگاه‌ها و اصول متشدد دینی منجر می‌شود؛ ۲. جست‌وجوی امنیت در جماعت‌های افراطی: تجربه طلاق می‌تواند نیاز افراد به امنیت و احساس تعلق را افزایش دهد. در برخی موارد، افراد ممکن است به جماعت‌ها و گروه‌های افراطی متمایل شوند که احساس امنیت و تعلق را به آن‌ها برای خود فراهم کنند. به‌طور کلی، تجربه طلاق والدین جعفر را می‌توان از شالوده‌های شکل‌گیری افراطی وی در نظر گرفت.

۲-۳. فساد در روابط اجتماعی

اولین صحنه مواجهه خواننده با فساد، روایت فصل اول رمان از زبان دانای کل در توصیف فضای هتلی است که جعفر در عملی انتحاری قصد انفجار آن را دارد. او در بدو ورودش به هتل، شاهد فضای آلوده به گناه، صدای موسیقی گوش‌خراش، قهقهه‌های مبتذل، زنان اغواگر و افراد مست در طبقه اول هتل است. افراد در نظر این جوان رنجور، همچون مارهای افعی می‌نمایند. مشاهدات او مثل رعدویرق تصاویر تلخ زندگی اجباری مادرش در خانه فساد و سال‌های دوری‌اش از مادر، خیانت زن شوهردار به همسرش در کارخانه‌ای که دو سال در

آنجا مشغول به کار بود و حوادث تلخی از این نوع را در نظرش زنده می‌کنند. نویسندهٔ رمان حوادث را به‌گونه‌ای چیده است که به خواننده بفهماند فساد اجتماعی با ایجاد ذهنیت منفی در افراد، می‌تواند یکی از عوامل تقویت‌کنندهٔ افراط‌اندیشی دینی و در نهایت خشونت رفتاری شناخته شود. افرادی که به افراط‌اندیشی دینی متمایل‌اند، رواج فساد اجتماعی را نشانه‌ای از فروپاشی اخلاق و دین در میان همهٔ بشریت تلقی می‌کنند و بر این باورند که اصلاح اجتماعی فقط با ریشه‌کن کردن این نوع آدم‌ها تحقق می‌یابد. این وضعیت ناهنجار، محرک جعفر برای تبدیل شدن به یک مصلح اجتماعی بود که تنها راه بهبود وضعیت جامعه را در پیوستن به فرقهٔ افراطی می‌دانست که سرانجام به آن‌ها ملحق شد.

۳-۳. محرومیت و نابرابری‌های اقتصادی

نابرابری اقتصادی معمولاً به‌معنای توزیع ناعادلانهٔ منابع و فرصت‌ها در جامعه است که تأثیرات منفی بر جامعه و اقتصاد دارد. عوامل مختلفی می‌توانند منجر به نابرابری اقتصادی شوند. برخی از این عوامل عبارت‌اند از: ۱. سرمایه‌داری: افرادی که دسترسی به سرمایهٔ بیشتری دارند، اغلب به سرمایه‌گذاری‌های اقتصادی پربازده‌تر و سودآورتر روی می‌آورند که می‌تواند باعث تشدید نابرابری اقتصادی شده و ثروت را در دست خود تجمیع می‌کند؛ ۲. قوانین و سیاست‌های عمومی: سیاست‌های عمومی و قوانینی که در جامعه اجرا می‌شوند، می‌توانند تأثیر قابل توجهی بر نابرابری اقتصادی داشته باشند. برخی سیاست‌ها ممکن است با توجه به منافع گروه‌های خاص، به تشدید نابرابری‌ها منجر شوند. این نابرابری اقتصادی باعث افزایش تنش و نارضایتی اجتماعی می‌شود (یوسفی، ۱۳۸۴: ۹۵).

نابرابری اقتصادی می‌تواند محیط مناسبی برای ایجاد و تشدید افراط‌اندیشی دینی فراهم کند. عواملی همچون تفاوت‌های چشم‌گیر در بهره‌مندی از ثروت و مزایا میان اقشار مختلف جامعه، احساس ناامنی و بی‌عدالتی در جامعه ایجاد می‌کند. در این بین، جریان‌های افراطی دینی می‌توانند از این نارضایتی استفاده کنند و با ارائهٔ راهکارهای دینی خاص خود، باورهای افراطی را در جامعه گسترش می‌دهند.

جعفر که مدتی مسئول ثبت ورود و خروج در انبار کارخانهٔ یکی از افراد ثروتمند شهر شده بود، شاهد فساد اقتصادی از جانب رؤسای کارخانه بود؛ درحالی‌که کارگران بیشترین

زحمات را برای کارخانه می‌کشیدند، در وضعیت بسیار بدی بودند اما کسی که به آنان اعتنا نمی‌کرد:

«لکن العمال یزدادون رهقاً وفاقه؛ تذبذب جلودهم ویاقات قمصانهم، تشحب وجناتهم و تضمرو أجسادهم، ... یسخط العمال. یکفرون بوهم تحوّل المشروع الی جنّته مأمولة یعبون من طیب خیراتها بعد أن سقوها من خالص عرقهم ودمائهم» (أقلعی، ۱۳۹۲: ۴۰)؛ (اما خستگی و بیچارگی کارگران افزوده می‌شود. پوست و یقه پیراهن‌هایشان چروک، چهره‌هایشان رنگ‌پریده و بدن‌هایشان لاغر می‌شود. کارگران خشمگین‌اند. باور ندارند که عرق و خونشان به تغییر و بهره‌مندی از برکاتی بینجامد.)

۴-۳. تظاهر در تمسک به تعالیم دین

تظاهر به دین‌داری به منظور ترفیع جایگاه اجتماعی، شکلی نمایشی و مسمئ‌کننده به رفتار دینی می‌بخشد. افراد ریاکار می‌توانند در عملکرد و رفتارهایشان به صورتی به نظر برسند که در مسیر صحیح دینی قرار دارند؛ درحالی‌که انگیزه‌های واقعی‌شان با آن تفاوت دارد (مرجع‌زاده و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۲۷). وصف چنین صحنه‌هایی در رمان، جعفر را در رویه افراطی‌اش جسورتر می‌کند. او در مورد رئیس کارخانه می‌گوید:

«و کان من عادته القفز علی رقاب الناس لتقدم صفوف المصلین علی الرغم من کونه آخر من یصل الی المسجد» (أقلعی، ۱۳۹۲: ۴۱)؛ (و عادتش بود برای پیشروی در صفوف نمازگزاران بر گردن مردم بپرد، به‌رغم اینکه نفر آخری بود که به مسجد می‌رسید.)

دیدن چنین رفتارهایی، او را در پیوستن به یک فرقه افراطی دینی مصمم و محق می‌کند و در این حالت است که او در جست‌وجوی گروهی با باورهای بسیار سخت‌گیرانه است که به گمان او، آن‌ها اصالت دینی را حفظ و با صداقت تمام اجرا می‌کنند.

۵-۳. نقش نابسامانی‌ها در رشد افراط‌اندیشی دینی

اوضاع نابسامان، انسان‌های ناهنجار می‌آفریند. نویسنده رمان، خشونت اجتماعی آمیخته به افراط‌اندیشی را از این مقوله دانسته است. افراط‌اندیشی به‌طور کلی پدیده‌ای بسیار پیچیده است و نمی‌توان آن را با یک الگوی مشخص تفسیر و تبیین نمود؛ اما می‌توان گفت مؤلفه‌هایی بستر رویش و رشد آن را فراهم و تقویت می‌کنند. این رمان تصویری از پیوند

میان این عناصر است. پیوستن قهرمان رمان به یک فرقه افراطی، ناشی از شرایط زندگی و تجربیات تلخ دوران کودکی و نوجوانی اوست. او به منظور یافتن راهی برای تغییر وضعیت اجتماعی و شخصی خود، به هر چیزی چنگ می‌زند. نظریه پردازان فرقه افراطی به این جوان رنجور و آسیب‌پذیر که احساس دینی و حق‌طلبی شدیدی هم دارد، راهی نشان می‌دهند که فقط با فداکاری امثال او تحقق می‌یابد و شهادت در این مسیر هم به گمان آن‌ها، دستیابی به حیات ابدی را در پی خواهد داشت: «وَلَا تَحْسِبَنَّ الَّذِينَ قَتَلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أحيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ» (آل عمران: ۱۶۹)؛ (هرگز گمان مبر کسانی که در راه خدا کشته شدند، مردگان‌اند؛ بلکه آنان زنده‌اند و نزد پروردگارشان روزی داده می‌شوند!)

آن‌ها می‌کوشند اعضای خود را متقاعد کنند که شهادت در راه خداوند، تنها راه اصلاح اجتماعی و تحقق اهداف عالی دین است. آن‌ها انواع مرگ را برای پیروانشان برمی‌شمارند؛ اما تنها راه رستگاری را در گرو شهادت با انجام عملیات انتحاری می‌دانند.

۶.۳. شکل‌گیری پندار «دیگری منحرف» و اثر آن در رفتار

بعد از پیوستن قهرمان رمان به این فرقه دینی که دارای اندیشه‌های افراطی است، مفهوم «دیگری منحرف» در ذهن او شکل می‌گیرد و روزبه‌روز تقویت و تشدید می‌گردد. او از آن‌پس، دیگران را منحرف و غیرقابل معاشرت می‌پندارد. این گرایش موجب تغییراتی گسترده در روابط او با دیگران می‌شود و او را به سوی پندار «منحرف‌انگاری» اطرافیانش و اعضای خانواده سوق می‌دهد. این نگرش بسته، موجب از بین بردن روابط قبلی وی با دوستان و نزدیکانش می‌شود و او را به سوی روابط و انتخاب‌های متفاوتی هدایت می‌کند. در نتیجه این تغییرات روحی در قهرمان رمان، روابطش به دلیل اختلافات اعتقادی با دیگران و احساس قابلیت نداشتن در ارتباط‌گیری عمیق با ایشان، به روابطی سطحی تقلیل می‌یابد و وی را از فردی خوش خلق به موجودی تندخو و بداخلاق تبدیل می‌کند که برخلاف رفتارهای نیک گذشته‌اش عمل می‌کند و در مقابل اظهاراتی که باب میلش نیست، واکنش‌های خلاف عادت نشان می‌دهد. برای مثال، زمانی که به بحث در مورد کتابی دینی با ناپدری‌اش می‌پردازد، واکنش بسیار تندی نشان می‌دهد. در این گفت‌وگو دیگر اثری از احترام و صمیمیت سابق دیده نمی‌شود. او دیگر اشتیاقی به وارد شدن در بحث‌های سیاسی

یا دینی با دوستان و خانواده خود ندارد. انزواطلبی پس از مدتی، او را در برابر شادی‌های زندگی سرد و بی‌احساس کرده و تنها چیزی که در وجود او تغییر نکرده، تلاش‌های مستمر وی برای مقابله با بی‌عدالتی، با روشی متفاوت از گذشته است.

۷-۳. مشاهده تناقض بین تعالیم دینی و رفتارها

جعفر در این مسیر مخاطره‌آمیز، رفته‌رفته با تردید در برخی تفسیرهای این گروه افراطی روبه‌رو می‌شود و احساس می‌کند راهی به بیراهه است. او شاهد تناقضات، تحریفات دینی، نارضایتی‌های اخلاقی و نقض ارزش‌های انسانی در فعالیت‌های اعضای گروه است. این تفسیرها، وی را به تردید درباره‌ی صحت آموزه‌های این گروه افراطی سوق می‌دهد. آن‌ها به او می‌گویند:

«لختار. بین أن تموت شهيدا أو أن تقضى مثلما يقضى البعير» (أقلعي، ۱۳۹۲: ۴۹): (تصمیم بگیر. بین شهید شدن یا زندگی کردن به‌مانند شتران.)

با اعلام این دستور به او، نخستین موضع‌گیری و مخالفت وی با تعالیم فرقه بروز می‌یابد و او می‌گوید:

«كيف يكون شهيدا من يقتل نفسه و الأبرياء؟ ألم يقل ربّي: ولا تقتلوا أنفسكم إن الله كان بكم رحيمًا؟!» (همان)؛ (چگونه می‌تواند شهیدی باشد آن‌که خود و مردم بی‌گناه را می‌کشد؟ آیا پروردگارم نگفت: و یکدیگر را نکشید که البته خدا به شما بسیار مهربان است؟!)

او به تدریج با اشکالات بیشتر گروه مواجه می‌شود و پاسخ آن‌ها به پرسش او، این است که این امر جهاد در راه خداست. اما این پاسخ وی را قانع نمی‌کند:

«قال ربّي: وقتلوا فی سبیل الله. و لم يقل: وأقتلوا أنفسكم فی سبیل الله» (همان)؛ (پروردگارم گفت: در راه خدا بجنگید. و نگفت: و خود را در راه خدا بکشید.)

این پرسش‌های مقدس و بی‌پاسخ که نویسنده بر زبان قهرمان جاری ساخته، دریچه‌ای به سوی رهایی است که هرچند دیر، اما سرانجام اثر خود را نهاد و در آخرین لحظه، قهرمان را از ورطه‌ی هلاکت نجات بخشید و سرانجام نیمه‌جان و زنده ماند تا ماجراهای تودرتوی آن تونل تنگ و تیره را برای دیگران روایت کند.

۸۳ زبان و فضای خشن و بی‌رحم رمان

عنوان هر رمان خلاصه‌ای از درون‌مایه آن است و به خواننده کمک می‌کند تا به دنیای رمان ورود پیدا کند. این عنوان می‌تواند با استفاده از کلمات کلیدی، تصاویر نمادین، اشاره‌ها به مکان یا زمان و یا حتی استفاده از اصطلاحات خاص، خلاصه‌ای از داستان و سبک روایت را ارائه کند. نویسنده رمان *خریف العصفیر* از طریق عنوان، پیام اصلی خود را بازگو نموده است. به باور او، نسل جوان در دنیای امروز، به منزله گنجشکان پاییزی هستند که از ترس باد و خزان، قادر به پرواز نیستند و به شاخه‌هایی بی‌ثمر چسبیده‌اند. این گنجشکان، نمادی از نسلی است که به دنبال تغییرات اند؛ اما آیا این گنجشکان بینوا به حقیقتی دست می‌یابند یا سیل توهمات آنان را به نیستی و نابودی خواهد کشید؟ کل ماجراهای رمان، در میان این حالت خوف و رجا و متمایل به ناکامی سپری می‌گردد.

تعدد و تناوب سکانس‌ها و راویان، وجهی هیجان‌انگیز در متن به شمار می‌رود. روایتی که همچون بارانی تند و طوفانی از خاطرات جاری است و به‌خوبی خواننده را در جریان روابط بین شخصیت‌های رمان قرار می‌دهد. نویسنده رمان به‌منظور تصویر دغدغه‌های خود از فضاهایی همچون «فندق النخیل» (هتل نخیل)، «المستشفى المدنی» (بیمارستان شهری)، «غرفة الانعاش» (اتاق نقاهت)، «بیت سی علّال» (خانه سی علّال) که هریک در دل خود روایت‌های فراوان دارند، استفاده نموده و عمق فاجعه را نشان داده است (ناس عبدالکریم، ۱۴۰۰).

نویسنده از زبان و فضای متناسب با مضمون رمان به‌خوبی بهره برده است. طبیعی است فرقه‌ای افراطی که با صدور دستورات خشن، همواره اعضای خود را به انجام اعمال غیرانسانی - خودکشی و دیگرکشی - ترغیب و تشویق می‌کنند، از زبان و واژگانی خشن استفاده کنند. فقط در فصل نخست رمان، بیش از هفتاد کلمه که نشانگر این زمختی در کاربرد زبان است، به کار رفته؛ واژگانی مانند «اجساد، الخوف، جلد، جروح سکاकिन، شفرات، التفجیر، مقارع مفتوله، هراوات مسنونه، صراخ و نار» نمونه‌هایی از این تندی زبان در توصیف تلخی معنا، در شرح ماجراهای رمان است.

نویسندگان معمولاً از روش‌هایی مختلف برای ایجاد فضای دلهره‌آور در رمان استفاده

می‌کنند؛ از جمله:

۱. **توصیف محیط:** استفاده از فضاهایی تاریک و بی‌نور و تنگ با اوضاع ناامن می‌تواند حس درونی مشوشتی را در ذهن خواننده ایجاد کند. این روش معمولاً با توصیف محیط‌هایی مانند اتاق‌های تاریک، خیابان‌های خلوت و مناطق متروکه استفاده می‌شود. فصل نخست رمان با جمله «غیوم لا تزال تعربد علی سمائه فتبعث قشعريرة البرد فی الجلد و الأعصاب» (أقلعی، ۱۳۹۲: ۵) (ابرها پیوسته در آسمان می‌خروشند و لرز سرما را در پوست و اعصاب می‌افکنند) آغاز می‌شود.

استفاده از واژگانی مانند «خروش و لرز سرما» تصویری از فضای ترسناک ماجراهای رمان را نشان می‌دهد. وجود ابرهای ماندگار در آسمان، ناگواری اوضاع را ترسیم می‌کند.

۲. **اشاره به خطرات نهفته:** اشاره به خطرات جانی، روحی یا اجتماعی در پس‌زمینه داستان به خواننده احساس تهدید و نگرانی می‌دهد. وقتی کودک داستان احساسات خود درباره اعضای خانواده را بیان می‌کند و به نامادری‌اش لقب عقرب می‌دهد، شدت کینه یک کودک معصوم را باز می‌نماید:

«کم امتلأتُ حقدا علی العقربة و ضجرا من أبی و عمّتی البلهاء القاسية أيضا» (همان: ۱۲)؛

(چقدر از عقرب پرنفرت بودم و چقدر از پدرم و همچنین عمه احمقم خسته بودم!)

احساس نگرانی برای کارهایی که ممکن است از چنین کودکی در قبال افراد مذکور سر بزند، این حجم از نفرت و انزجار، موجب تأثر و تأسف خواننده می‌گردد.

۳. **روایت درباره شخصیت‌های مبهم یا ناخوشایند:** استفاده از شخصیت‌هایی که مبهم، مرموز یا ناخوشایندند، می‌تواند فضای دلهره‌آوری را به وجود بیاورد. خواندن درباره شخصیت‌های مبهم یا غیرقابل پیش‌بینی می‌تواند ترس و نگرانی را تقویت کند. برای نمونه بارها و به نقل از شخصیت‌های اصلی رمان، پای اشخاص زیادی به داستان کشیده می‌شود: «سیوانا»، «بیر کویی»، «خنطو مورالیس»، «جبور الکحلون» و... که هریک سرگذشت مبهم و ترسناکی داشته‌اند. استفاده از این نوع شخصیت‌ها عناصر هیجانی و معنایی خوفناک به فضای داستان بخشیده است و باعث شده خواننده در تعقیب رازهای پنهان قصه خود را شریک نویسنده کند و در وجود او، احساس ترس و فضای اضطراب‌آمیز تقویت شود.

۴. توصیف جزئیات: توصیف دقیق اماکن، شخصیت‌ها و وقایع می‌تواند احساسات ناخوشایند و ترس را در خواننده به وجود آورد. در بخشی از رمان، مکانی توصیف شده که با درون‌مایه رمان پیوندی معنادار دارد:

«...أذهلك سُمك الغبار، وحجم القذارة التي تكسو الفضاء بحيطانه المطلخة بالبقع البنيّة وطاولاته المشروخة المائلة وكراسيه العرجاء المتآكلة. أول ما يستقبلك في بهو النّقاية التفاف الشيوخ من العمال المتقاعدین حول طاولات الورق والدّومينو، وما أن تجتاز الأدراج الأولى في اتجاه الطابق العلوی حتى تستفزك رائحة الكيف النافذة المنبعثة من بعض الغرف الصغيرة المنتشرة على طول الطابق أشبه ما تكون بكوات نُقبت في حائط. وتستطيع عبر هذا الممرّ المعتمّ سيء التهوية أن تلاحظ فراغ معظم الغرف التي ألصقت بأبوابها بطاقات سيئة التقطيع مكتوبة بخط رديء، لا يخلو بعضها من أخطاء؛ تبيّن القطاع النقايبی الذي تحتضنه: "القطاع الصّحّة"، "قطاع التعليم"، "قطاع الأشغل العمومية". ويفضی بك هذا الممرّ إلى قاعة الاجتماع الرئیسیة الفارغة، الآن، إلّا من متقاعد عجوز غارق في جلباب بنی فضفاض...» (همان: ۴۴)؛

(ضخامت گردوغبار و گستردگی کثیفی که فضا را پوشانده بود، با دیوارهای آغشته به لکه‌های قهوه‌ای‌رنگ، میزهای ترک‌خورده و کج‌شده و دارای خوردگی، بیننده را شگفت‌زده می‌کند. اولین چیزی که در لابی اتحادیه به شما خوشامد می‌گوید، تجمع کارگران بازنشسته سال‌خورده دور میزهای کارت و دومینو است و به‌محض رد شدن از اولین پله‌ها به سمت طبقه بالا از بوی تند تهویه برانگیخته می‌شوید. برخی از اتاق‌های کوچک در طول راهرو گسترده شده و شبیه طاقچه‌هایی هستند که در دیوار سوراخ شده‌اند. از طریق این راهرو تاریک و با تهویه ضعیف، می‌توان متوجه خالی بودن بیشتر اتاق‌ها شد که کارت‌هایی کج‌ومعوج به درهایشان چسبانده‌اند که با خطی زشت که خالی از خطا هم نیست، نام بخش‌ها بر روی آن‌ها نوشته شده: «بخش بهداشت»، «بخش آموزش»، «بخش کارهای عمومی». این راهرو شما را به سالن اصلی جلسه هدایت می‌کند که اکنون به‌جز یک مستمری‌بگیر پیر که لباس‌های قهوه‌ای گشاد بر تن دارد، خالی است.)

در جای دیگر، در توصیف شکل و شمایل فردی مستأصل می‌گوید:

«کثافة حاجبيه المرطه وضيق عينيه، وما أخذ يكتسح عنقه وذنقه وبين أصابعه من بقع برص لعين...» (همان: ۲۱)؛ (ابروهای بیش از حد ضخیم و تنگی چشمانش و لکه‌های جذامی لعنتی که روی گردن، چانه و بین انگشتانش فرومی‌ریخت...)

کاربست این روش‌ها توسط نویسنده، ترس، نگرانی، انزوا، ناامنی و احساسات مشابه را در ذهن خواننده به وجود می‌آورد. این درست همان حسی است که قهرمان رمان در همه زندگی‌اش تجربه کرده است. نویسنده با این صحنه‌پردازی‌ها، خواننده را با دنیای سرشار از نگرانی قهرمان رمان پیوند می‌زند. نویسنده رمان با رویکردی آسیب‌شناسی، موانع تعلیم و تربیت و سلامت رفتار در جامعه را تحلیل و نقد نموده است. به باور او، خشونت‌های رفتاری حاصل این نابسامانی‌هاست که با افراط‌اندیشی دینی هم پیوند خورده و به یک معضل انسانی-اجتماعی تبدیل شده است.

۴. نتیجه‌گیری

از آنچه در توصیف و تحلیل رمان پاییز گنجشک‌ها (خریف العصافیر) بیان شد، نتایج زیر استنباط می‌شود:

این رمان چنان‌که از نامش برمی‌آید، به‌مثابه یک رسانه، ارائه گزارشی واقعی و تلخ از وضعیت بحرانی یک نسل است که در آن تصویری هراسناک از رابطه میان سه عنصر شوم «نابسامانی‌های اقتصادی-اجتماعی»، «افراط‌اندیشی دینی» و «خشونت‌های رفتاری» در قالبی هنری بازتولید شده است. گویی جبری شبه‌محتوم، سرنوشت قهرمان رمان را رقم زده و او را به سمت وسوی افکار و رفتاری‌های خشونت‌آمیز سوق داده است. نویسنده با اندوهی آشکار و نهان، سرنوشت این نسل بی‌پناه را به‌مانند گنجشک‌هایی مبتلا به خزانگی ویرانگر بازگویی می‌کند. نسلی مبتلا به بحران‌های روحی که در پی کشف حقیقت رفته، اما در دریای توهمات خود غرق و نابود شده است. شخصیت اصلی رمان، نمادی از چنین نسلی است که نابسامانی‌های اجتماعی-اقتصادی از یک سو و حس عدالت‌طلبی آن‌ها از سوی دیگر، آن‌ها را به دام افراط‌اندیشی دینی و درنهایت خشونت‌های رفتاری گرفتار نموده است: «فریفته باورهای غلط شدن»، «ایجاد امیدهای واهی»، «کاهش ارتباطات و عدم تعامل با دیگران» «انزواطلبی» و «افزایش میل به خشونت‌های رفتاری» در جای‌جای ماجراهای رمان موج

می‌زند. از نگاه نویسنده، عوامل اجتماعی چون طلاق، فساد، نابرابری اقتصادی و تظاهر و تزویر در تمسک به تعالیم دینی از جمله مؤلفه‌هایی هستند که افراط‌اندیشی دینی و خشونت‌های رفتاری را خلق و تشدید کرده‌اند. نویسنده در سکانس آخر رمان، کوشیده به قهرمان رمان کمک کند. او با تمسک به نگاه پرسشگرانه قهرمان رمان و تردید مقدس وی، در برابر آموزه‌هایی که آن‌ها را برخلاف ارزش‌های انسانی می‌بیند، شمعی کم‌سو در برابر این نسل برافروخته که در نهایت منجر به نجات قهرمان از «خودکشی و دگرکشی» شده است. به باور او، تنها راه نجات این نسل بحران‌زده، ایجاد این گونه شک‌های مقدس و آگاهی‌بخشی در پی آن است.

پی‌نوشت

۱. خالد العربی ألقعی، سال ۱۳۴۳ در شهر تطوان واقع در شمال مراکش به دنیا آمد. وی دارای دکترای ادبیات از دانشگاه عبدالمالک السعدی شهر تطوان است. از سال ۱۳۷۴ به عضویت اتحادیه کتاب مراکش درآمد. از جمله جوایز ادبی او می‌توان به جایزه مرکز فرهنگی اسپانیا برای داستان کوتاه عربی در سال ۱۳۷۰، جایزه اتحادیه کتاب مغرب برای نویسندگان جوان قصه کوتاه در سال ۱۳۷۲، جایزه «مصطفی غروز» برای ادبیات کودک در داستان سال ۱۳۹۱ اشاره کرد. این آثار در زمینه‌های ابداع ادبی و (ترجمه) از او منتشر گردیده‌اند: قصه‌های *دوائر مغلقة* (حلقه‌های بسته) ۱۳۷۳، رمان‌های *اطیاف البیت القدیم* (اشباح خانه قدیمی) ۱۳۸۵، *بدرالدین و طاقیة الشفاء* (بدرالدین و انرژی شفابخش) ۱۳۹۱ و *خریف العصافیر* (پاییز گنجشک‌ها) ۱۳۹۲.

منابع

قرآن کریم.

- ألقعی، خالد. (۱۳۹۲). *خریف العصافیر*. تطوان: باب‌الحکمة.
- آقابابایی، حسین. (۱۳۹۰). «نسبی‌گرایی حقوق بشر و افراط‌گرایی مذهبی». *پژوهش‌های روابط بین‌الملل*، ۱(۱)، ۱۸۳-۲۰۶.
- امیری، نادر. (۱۳۹۸). «من و دیگری در این خیابان سرعت گیر ندارد». *جامعه‌شناسی هنر و*

ادبیات، (۱)۱۱، ۲۲-۱.

البقالی، محمد. (۱۳۹۶). «جماليات الخطابات في الرواية خريف العصفير لخالد أقلعي».

الراوی، شماره ۳۲، ۷۳-۵۷.

چلبی، مسعود، و امیرکافی، مهدی. (۱۳۸۳). «تحلیل چندسطحی انزوای اجتماعی». مجله

جامعه‌شناسی ایران، (۲)۵، ۳۱-۳.

سالار، محمد. (۱۳۹۰). «غرب و بیداری اسلامی». بلاغ، (۱۴)۳۵، ۵۶-۳۸.

قادری، صلاح‌الدین، و قسیم، تنویراحمد. (۱۴۰۰). «پیامدهای اجتماعی و فرهنگی بنیادگرایی

دینی در افغانستان از واکنش به سکولاریسم تا سکولاریسم واکنشی». دوفصلنامه مسائل

اجتماعی ایران، (۱)۱۲، ۳۵۵-۳۸۰.

مرجع‌زاده، سعیده، شریف‌پور، عنایت‌اله، و امیری خراسانی، احمد. (۱۳۹۵). «ریا و تزویر و

انعکاس آن در اشعار جامی». کاوش‌نامه زبان و ادبیات فارسی، (۳۴)۱۸، ۱۲۷-۱۵۷.

مؤمنی، مجیدرضا، رستمی، بنفشه، و رحیمی‌لهی، آزاده. (۱۳۹۵). «مطالعه جریان‌های

افراطی‌گری اسلامی؛ مطالعه موردی: داعش». فصلنامه سیاست خارجی، شماره ۲، ۸۳-۶۱.

ناس عبدالکریم، عبدالسلام. (۱۴۰۰). «آلیات الحکی ووعی الکتابة فی خریف العصفیر

للمغربی خالد أقلعی». الجسرة. Aljasrah.net/aljasra16624/%e

نجومیان، امیرعلی. (۱۳۸۵). «مفهوم دیگری در اندیشه ژاک دریدا». همایش ادبیات تطبیقی

خودی از نگاه دیگری.

نظری منظم، هادی، پروینی، خلیل، و هدایتی، نازنین. (۱۳۹۷). «صورة الآخر الشرقي فی أدب

الرحلات لغادة السمان كتاب شهوة الأجنحة نموذجاً». کاوش‌نامه ادبیات تطبیقی. ۸(۳۲)،

۱۶۵-۱۸۴.

یعقوبی، کژال، سهرابی، فرامرز، و مفیدی، فرخنده. (۱۳۹۰). «بررسی و مقایسه میزان

پرخاشگری کودکان طلاق و عادی». مطالعات روان‌شناختی، (۱)۷، ۹۷-۱۰۹.

یوسفی، احمدعلی. (۱۳۸۴). «عدالت اقتصادی». اقتصاد اسلامی، (۱۷)۵، ۹۵-۱۱۲.

